

## ابعاد جدید از معمای قتل زن جوان در مشهد فاش شد

# خودکشی قاتل با انفجار خانه!

**سجاد پور** - جوان ۳۳ ساله ای که همسر صیغه‌ای اش را در تشت آب خفه کرده بود، خود را نیز با انفجار خانه اجاره‌ای کشت. به گزارش اختصاصی خراسان، عصر بیست و چهارم مهر گذشته بود که مرد جوان نگاه‌دیگری به پیکر بی جان همسرش انداخت و از خانه بیرون زد، مدت زیادی بود که «جواد» با خانواده اش ارتباطی نداشت و به طور مجردی زندگی می کرد. او از چند ماه قبل نیز باز ن مطلقه‌ای به نام «م-ح» آشنا شده بودو در نهایت آن زن ۳۶ ساله را در حالی به عقد موقت خودش درآورد که هیچ کس از این ازدواج پنهانی خبر نداشت. «م-ح» که دوبار از دواج ناموفق داشت و سرپرستی پسر ۴ ساله اش را نیز به شوهر سابقش سپرده بود، تصمیم گرفت بدون اطلاع خانواده، یک بار دیگر بختش را بیازماید، به همین دلیل با «جواد» ازدواج کرد و قدم به خانه‌ای گذاشت که جواد از حدود سه ماه قبل در بولوار حر مشهد اجاره کرده بود. اما گویی هنوز بخت با این زن جوان یار نبود چرا که از همان روز آغازین زندگی مشترک، درگیری و اختلافات بین آنها شدت گرفت به طوری که روز جمعه بیست و سوم مهر، مشاجره‌های لفظی آنان به حدی رسید که ناگهان «جواد» با چهره‌ای غضب آلود، او را به داخل حمام خانه نقلی کشید و سرش را در آب درون تشت فرو برد. او که خشم و عصبانیت

همه وجودش را فرا گرفته بود، آن قدر سر همسر صیغه‌ای اش را درون آب فشرد تا این که دیگر دست و پاهایش شل شد و هیچ تلاشی برای نجات خودش نمی کرد. «جواد» که فهمید همسرش خفه شده است و جانی در بدن ندارد او را در همان وضعیت داخل حمام‌ها کرد و به داخل پذیرایی رفت. مدتی در افکار خود غوطه‌ور بود و نقشه‌های زیادی را برای رهایی از عذاب وجدان می کشید. از کرده خود پشیمان بود ولی دیگر کار از کار گذشته بود و مهر جنایت برپیشانی اش خودنمایی می کرد. ساعت‌های زیادی را بیهوده می گذراند و از وقوع این حادثه تلخ رنج می برد. روز بعد یک بار دیگر نگاهی به جسد همسرش انداخت و از منزل بیرون زد. گویی نقشه دیگری در ذهن می پروراند. او به ناچار مسیر منزل پدرش را در پیش گرفت. وقتی به آن جارسید ناگهان در میان بهت و ناباوری پدر و دامادشان، قصه قتل زنی به نام «م-ح» را برایش آن‌ها بازگو کرد و گفت: من همسر مرا کشته ام و می خواهم خودکشی کنم! ولی دیگران حرف‌هایش را باور نکردند، به او گفتند تو که مجرد هستی! زن نداری!... و جواد در حالی که بیان می کرد یک زن جوان را صیغه کرده بودم از اعضای خانواده اش دور شد ولی نه تنها هیچ کس از جاومکان «جواد» اطلاعی نداشت بلکه باورش ان هم نمی شد که او زنی را صیغه کرده‌باشد!



طنباب دار باره شده



تصویر مقتول در حمام

#### اخبار

### مهار آتش سوزی مهیب یک کارگاه تولیدی در خین عرب مشهد

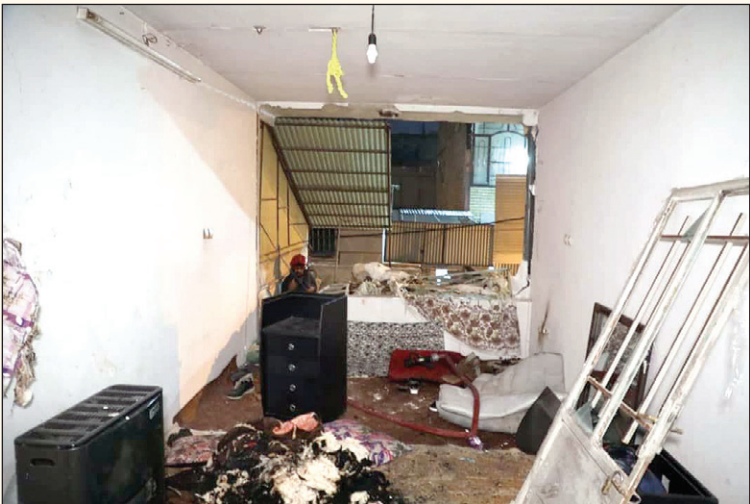
مدیر منطقه دوم عملیات آتش نشانی مشهد از تلاش نفسگیر آتش نشانان ایستگاه های ۱۲۰۳، ۲۱، ۲۸، ۱۴۰ و ۲۹ این سازمان برای مهار آتش سوزی مهیب کارگاه تولید در های آپارتمانی به مساحت ۴۰۰ متر مربع در منطقه خین عرب (خیابان شهید طرحچی) این شهر طی یک شبانه شب گذشته خبر داد. به گزارش آتش نشانی مشهد، آتشباد سوم نجمی افزود: با سرعت عمل نیروهای اعزامی آتش مهار و از سرایت آن به بافت کارگاهی مجاور که مملو از مواد سریع الاشتعال بود، جلوگیری شد. علت دقیق وقوع این آتش سوزی توسط کارشناسان مربوط در دست بررسی است.

### مرگ دلخراش کارگر جوان در پی آوار ساختمان



مدیر منطقه ثامن آتش نشانی مشهد از مرگ دلخراش کارگری جوان در پی ریزش آوار ساختمان در دست تخریب در خیابان دانش غربی این شهر طی دیروز خبر داد. به گزارش آتش نشانی، آتشباد سوم مجید فرهادی افزود: در پی اعلام این حادثه به سامانه ۱۲۵، ستاد فرماندهی بلافاصله آتش نشانان و نجاتگران ایستگاه های ۲ و ۳۲ را به محل اعلامی اعزام کرد و با حضور نیروهای امدادی در محل مشخص شد، کارگری جوان هنگام کار در ساختمانی در دست تخریب به دلیل ناعلمومی دچار حادثه شده و پس از ریزش آوار نخاله های ساختمانی روی وی، جان خود را از دست داده است. وی ادامه داد: آتش نشانان پس از تایید فوت این فرد توسط تکنیسین های اورژانس، پیکر بی جان این مرد را از محل حادثه به منطقه امن منتقل کردند و تحویل عوامل انتظامی حاضر در صحنه دادند. علت دقیق وقوع این حادثه توسط کارشناسان مربوط در دست بررسی است.

### اختصاصی خراسان



عکس ها اختصاصی از خراسان

تحقیقات مقام قضایی که تا پاسی از شب به طول انجامید، از وقوع یک جنایت هولناک حکایت می کرد اما همه چیز در سینه جوان ۳۳ ساله‌ای پنهان بود که تحت درمان قرار داشت. به گزارش خراسان، قاضی دکت‌ر زرقانی، پس از ساعتی تحقیقات میدانی در حالی عازم بیمارستان امام رضا (ع) شد که بررسی هان نشان می داد ماجرای انفجار عمدی است و جوان ۳۳ ساله به دلیل همزمانی انفجار و حلق آویزی، نتوانسته خودکشی کند. اما وقتی قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، سپیده دم بیست و پنجم مهر به مرکز درمانی رسید «جواد» قادر به صحبت نبود و بدین ترتیب او چند روز بعد (بیست و هفتم مهر) به دلیل عوارض ناشی از ۸۰ درصد سوختگی جان خود را از دست داد و این پرونده جنایی با مرگ قاتل در حالی بسته شد که «جواد» خود قبل از مرگ به قتل همسر صیغه‌ای اش اعتراف کرده بود. با وجود این، بررسی‌های قضایی با اعلام شکایت خانواده «م-ح» در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد برای ریشه‌یابی این حادثه تکان دهنده ادامه یافت.

#### عوامل سرقت مسلحانه طلافروشی «دلفان» دستگیر شدند

وی را به قتل رسانده و با مجروح کردن یک شهروند دیگر از محل متواری شدند. فرمانده انتظامی لرستان با اشاره به این که با همکاری توان علمی و روش‌های نوین کشف جرم و تهاتب محل مخفیگاه متهمان شناسایی و مشخص شد که یکی از سارقان در شهرستان‌های همجوار مخفی شده است، افزود: مأموران پلیس آگاهی با هماهنگی قضایی طی یک عملیات غافلگیرانه و ضربتی سه سارق را شناسایی و دستگیر کردند و اسلحه به کاررفته در قتل نیز کشف شد. وی ادامه داد: سارقان در تحقیقات پلیس به جرم خود به انگیزه سرقت از طلافروشی که منجر به قتل شهروند شده بود، اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی در اختیار مراجع ذیصلاح قرار گرفتند.

فرمانده انتظامی لرستان از دستگیری سه سارق مسلح طلافروشی و عامل قتل شهروند "نورآبادی" با اشراف اطلاعاتی پلیس آگاهی این استان خبر داد: ۲۲ شهروبر امسال چند سارق مسلح از یک مغازه طلافروشی در "دلفان" مقادیری جواهرات سرقت کرده، یک شهروند نورآبادی را به قتل رسانده، یک نفر دیگر را مجروح کرده و متواری شدند که رسیدگی به موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران قرار گرفت. وی ادامه داد: با اشراف اطلاعاتی و رصد سارقان سابقه‌دار، تحقیقات برای شناسایی سارقان و قاتل شهروند آغاز و در تحقیقات اولیه کارآگاهان مشخص شد، مقتول مغازه‌دار همجوار طلافروشی مدنظر بوده که سارقان هنگام سرقت از طلافروشی

### دختری که در دومین قرار ملاقات تلفن همراه را می‌دزدید!

گفت: در فضای مجازی سؤژه‌ها را شناسایی می‌کردم و پس از طرح دوستی آن‌ها را به محل قرار می‌کشاندم. اوایل این کار را به تنهایی انجام می‌دادم و پس از دوستی با پدرام، به همراه او و یکی از دوستانش سرقت‌ها را ادامه‌دادم، سؤژه‌ها را به منطقه سرخه حصار می‌کشاندم و با تهدید چاقو گوشی‌ها را سرقت می‌کردیم.

سرهنگ علی کنجوریان معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران بااعلام این‌خبر گفت: تحقیقات از متهمان ادامه‌دارد.

## بازداشت قاتل فراری که پلیس قلابی شده بود!

پیچیده دستگیری و به کلانتری منتقل کردند. وی ادامه داد: در بازرسی از مخفیگاه متهم چهار کیلوگرم مواد مخدر از نوع گل و ادوات نظامی از جمله بی‌سیم، دستبند و دوربین‌های مدار بسته که برای ارتقای امنیت مخفیگاه تعبیه شده بود، کشف شد. به گفته رئیس پلیس پیشگیری تهران، متهم در بازجویی‌های پلیسی به جرم خود مبنی بر جعل عنوان پلیس و فروش مواد مخدر در غرب تهران اعتراف کرد و در تحقیقات مشخص شد متهم به جرم قتل مرد جوانی در یک درگیری تحت تعقیب بوده‌است. پرونده متهم برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد.

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از بازداشت متهمی خبر داد که مرتکب قتل شده بود و با جعل عنوان پلیس از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد. همچنین در بازرسی از مخفیگاه متهمان دو قبضه سلاح گرم همراه با فشنگ جنگی شامل وینچستر و کلت کمبری کشف شد. به گفته وی، متهمان پس از انتقال به کلانتری در بازجویی‌ها با توجه به ارائه شواهد و مستندات موجود مبنی بر سرقت مسلحانه موتورسیکلت در جنوب تهران اعتراف کردند و برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند.

#### ماجرای عجیب در نزاع مرگبار جاده‌ای

#### ضارب پس از شلیک گلوله در صحنه تصادف کشته شد

**توکل** / نزاع مرگبار جاده‌ای یک کشته و یک مجروح به جا گذاشت. به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان زرناد با‌داشت دو نفر مرتبط با نزاع مرگبار عصر یک‌شنبه در این شهرستان خبر داد و گفت : ضارب بلافاصله پس از شلیک گلوله، اثر تصادف با یک کامیون کشنده سنگین در محور مواصلاتی منتهی به‌زرند جان باخت. حجت الاسلام اسماعیل بلوچ‌زاده در تشریح این حادثه افزود: عصر یک‌شنبه دوم آبان ماه جاری در محور زرناد-راور (حوالی روستای باب‌تنگل) یک جوان به علت اختلاف مالی با اسلحه شکاری به طرف یک جوان دیگر تیراندازی و پس از ارتکاب جرم در هنگام فرار با یک

تربلر کشنده سنگین در حال عبور از جاده اصلی تصادف می‌کند. وی ادامه داد: جوان ضارب که در این حادثه به شدت مجروح شده بود، بی‌درنگ به بیمارستان منتقل می‌شود که به علت شدت جراحات وارد شده جان خود را از دست می‌دهد. دادستان زرنند گفت: جوان دیگری که گلوله به دست او شلیک شده بود، مجروح شد و تحت درمان قرار گرفت که از مرگ نجات یافت. وی اظهار کرد: بلافاصله پس از وقوع حادثه بازپرس ویژه قتل دادسرای زرنند در صحنه حاضر و تحقیقات میدانی اولیه آغاز شده است که تحقیقات بیشتر در خصوص انگیزه وقوع این نزاع در دستور کار دادستانی قرار دارد.

### دختری که در دومین قرار ملاقات تلفن همراه را می‌دزدید!

گرفت، گفت: در اینستاگرام با دختر جوانی به نام ویدا آشنا شدم. دفعه دومی که برای دیدن ویدا به محل قرار در منطقه سرخه حصار رفتم، روی نیمکت پارک نشسته بودیم که دو پسر موتورسوار به سمت ما آمدند و با تهدید، گوشی تلفن مرا سرقت کردند و با ویدا از محل متواری شدند.

با شکایت مرد جوان تحقیقات برای بازداشت ویدا و همدستانش توسط کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ آغاز شد و کارآگاهان در ادامه بررسی‌ها با شکایت‌های

## اعلامان سرقت مسلحانه در جنوب تهران به دام پلیس افتادند

رئیس پلیس پیشگیری تهران از بازداشت سارقان حرفه‌ای خبر داد که به صورت مسلحانه موتورسیکلت سرقت می‌کردند. به گزارش تسنیم، سرهنگ موقوفه‌ای افزود: در پی یک فقره سرقت مسلحانه موتورسیکلت، موضوع رسیدگی به پرونده در دستور کار مأموران کلانتری ۱۹۰ مجیدیه قرار گرفت و با رصد های اطلاعاتی و بازبینی دوربین‌های مدار بسته یک باند پنج نفره سابقه‌دار را در محله یافت‌آباد و تهرانپارس شناسایی کردند. وی ادامه داد: مأموران کلانتری پس از دریافت این اطلاعات مهم با هماهنگی‌های

#### در امتداد تاریکی

### تاوان وحشتناک گناه

وقتی همسر به‌طور ناگهانی و سرزده وارد منزل شد و مرا با وضعیتی نامناسب در کنار جوان غریبه دید چاقویی را از آشپزخانه برداشت و... به گزارش اختصاصی خراسان این‌ها بخشی از اظهارات زن ۳۸ ساله‌ای است که پس از وقوع حادثه‌ای دلخراش و ارتباط نامشروع دستگیر شده‌است.

این زن جوان با بیان این که فقط به‌خاطر انتقام از بدبینی‌های همسرم دست به چنین رفتار زشتی زده‌ام و حالا بسیار پشیمانم که این حادثه وحشتناک رخ داده اشک ریزان به‌مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری نجفی مشهد گفت: ۱۳ ساله بودم که به‌خواست پدر و مادرم پای سفره عقد نشستیم و با پسردایی‌ام ازدواج کردم درحالی‌که هیچ‌علاقه‌ای به «فریدون» نداشتم امانی توانستم در این باره چیزی به‌پدر و مادرم بگویم چرا که خودم نیز معنای ازدواج و زندگی این‌پا به‌خانه بخت گذاشتم و زندگی زیر یک سقف را آغاز کردم ولی همسرم از همان دوران نامزدی نسبت به رفتار و معاشرت‌های من با دیگران بسیار بدبین بود و مرا به‌شدت کنترل می‌کرد تا جایی که به‌سختی توانستم رضایتش را برای ادامه تحصیل جلب کنم چرا که‌علاقه زیادی به درس و مدرسه و کسب مدارج علمی بالاتر داشتم.

خلاصه من درحالی‌دخترم را بزرگ می‌کردم و به‌امور تحصیل و خانه‌داری می‌پرداختم که هیچ‌گونه سازگاری اخلاقی و تفاهمی با فریدون نداشتم. ۱۴ سال از من بزرگ‌تر بود و هیچ‌وقت نمی‌توانست مرا در آن‌سن و سال درک کند، او کارمند یک شرکت خصوصی بود و درآمد خوبی داشت به‌همین دلیل امکانات رفاهی را برای من و دو فرزندم فراهم می‌کرد اما از نظر عاطفی همواره کمبود شدیدی را احساس می‌کردم.

از سویی دیگر نیز سوءظن‌های همسر مرا به‌شدت آزار می‌داد و من به‌هیچ‌طریقی نمی‌توانستم او را از این افکار اشتباه بازدارم به‌خاطر همین در یک تفکر احمقانه تصمیم به انتقام از بدبینی‌هایش گرفتم تا به این طریق او را آزار بدهم. این‌گونه بود که در یکی از شبکه‌های اجتماعی با پسر ۲۶ ساله‌ای آشنا شدم که خودش را مهندس راه و ساختمان معرفی می‌کرد.

ابتدا قصد داشتم همسر مرا توجه اشتباهش بکنم تا بیشتر از این به‌خاطر سوءظن‌هایش مرا زجر ندهد ولی بعد از آن‌که چند بار با «عرشیا» قرار ملاقات گذاشتم و در بیرون از منزل به دیدارش رفتم دیگر به‌او دل‌باختم چرا که او جوانی مجرد و مهربان بود. من هم که از نظر عاطفی همواره در زندگی‌ام مشکل داشتم خیلی زود شیفته محبت‌هایش شدم و درحالی‌که به درد دل با او می‌پرداختم که هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم روزی این ارتباط کثیف مخفیانه به حادثه‌ای دلخراش منجر شود و مرا به‌رسوایی بزرگی بکشاند به‌طوری‌که دیگر نتوانم سرم را بالا بگیرم یا حتی به‌چشمان فرزندان سرشکسته‌ام نگاه کنم.

در عین حال شله‌های انتقام از بدبینی‌های همسرم در وجودم زبانه می‌کشید و از سویی دیگر نیز وابستگی عاطفی من به عرشیا بیشتر می‌شد و همین‌روزها همسرم که بویی از این ماجرا و ارتباط پنهانی برده بود درحالی‌مرا زیر مشت و لگد گرفت و کتک زد که نمی‌توانست ارتباط من با جوانی غریبه را اثبات کند، با وجود همه این‌درگیری‌ها و کشمکش‌های خانوادگی تصمیم احمقانه‌تری گرفتم و برای آزار همسرم رابطه‌ام با عرشیا را بیشتر کردم تا جایی که یک روز زمانی‌که همسرم در منزل نبود و یقین داشتم از سرکار به‌خانه نمی‌گردد عرشیا را به‌خانه‌ام دعوت کردم ولی هنوز دقایق زیادی از حضور او نگذشته بود که ناگهان کلید در قفل منزل چرخید و همسرم به‌طور سرزده وارد اتاق شد. من که از ترس شوکه شده بودم با همان ظاهر نامناسب فقط حیرت زده نگاهش می‌کردم و عرشیا هم به دنبال راه فراری می‌گشت در یک لحظه همسرم چاقویی را از آشپزخانه برداشت تا به سویی‌ما حمله کند ولی عرشیا که به‌شدت ترسیده بود خودش را از پنجره اتاق خواب به درون خیابان انداخت.

این‌گونه بود که با تماس ا‌هالی محل عرشیا با دست‌وپاهای شکسته به یکی از بیمارستان‌های مشهد منتقل شد...

من هم که در میان آبروریزی و رسوایی بزرگ به‌خاطر این تصمیم احمقانه حتی نمی‌توانم به چشمان نزدیک‌ترین عزیزانم نگاه کنم با دستور مقام قضایی بازداشت‌شدم و... گزارش خراسان حاکی‌است، بررسی‌های پلیسی برای صدور دستورات ویژه‌ای از سوی سرگرد مهدی کسروی رئیس کلانتری نجفی مشهد در پی شکایت رسمی شوهر این زن جوان در این باره ادامه‌دارد.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**